

در اسارت فرهنگ
ریشه‌یابی خلق و خو،
آداب و عادات ما ایرانی‌ها

طاهره شیخ‌الاسلام (مظاهری)

سرشناسه:	شیخ الاسلام، طاهره (مظاهری)، ۱۳۲۶ -
عنوان و نام پدیدآور:	در اسارت فرهنگ: ریشه‌یابی خلق و خو: آداب و عادات ما ایرانی‌ها، طاهره
مشخصات نشر:	تهران: صمدیه، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری:	۴۳۵ ص.
وضعیت فهرست‌نویسی: فیا	
یادداشت:	نمایه
عنوان دیگر:	ریشه‌یابی خلق و خو، آداب و عادات ما ایرانی‌ها.
موضوع:	اخلاق اجتماعی - ایران
موضوع:	ویژگی‌های ملی ایرانی
موضوع:	ایرانیان - آداب و رسوم و زندگی اجتماعی
موضوع:	روابط بین اشخاص - ایران
موضوع:	مطالعات میان‌فرهنگی
موضوع:	اخلاق اجتماعی - مطالعات میان‌فرهنگی
رده‌بندی کنگره:	DSR6۵ / ۸۷ ۱۳۲۶
رده‌بندی دیویی:	۹۵۰/۰۰۴۴
شماره کتابشناسی ملی:	۸۳-۱۰۰۴



انسترات
صمدیه

در اسارت فرهنگ

ریشه‌یابی خلق و خو، آداب و عادات ما ایرانی‌ها

- پدیدآورنده: طاهره شیخ‌الاسلام (مظاهری)
- طراح جلد: گروه طراحان ۴میخ
- شمارگان: ۵۰۰ نسخه
- چاپ اول: ۱۳۹۵
- قیمت: ۲۷۰۰۰ تومان
- چاپ: پردیس دانش
- ناشر: صمدیه
- مدیر نشر: لطف‌الله میثمی
- مدیر تولید: آرمان رضاییور
- نشانی: تهران، میدان توحید، نصرت غربی، شماره ۲۴، طبقه سوم
- کدپستی: ۱۴۵۷۸۳۷۴۵۴، صندوق پستی ۱۳۴۴۵/۸۹۵ تلفاکس: ۶۶۹۳۶۵۷۵
- حقوق ناشر محفوظ است

فهرست

۹	 مقدمه
۱۳	 کال، شکایتی درد
۲۳	 تغییر شرایط، قدس به سوی رهایی
۲۶	 آگاهی از در، راهی به درمان
۲۷	 رستاخیز فرهنگی
۳۰	 ملل آزاد دنیا چه بودند و چگونه این شدند
۳۱	 از تاریکی اختناق به نور آزادی
۳۸	 سخنی با خواننده
۴۵	باب اول: ترس و اثرات آن بر خلق و خوی و رفتارهای فردی و اجتماعی ما.....
	بخش اول گفت وگوها، نکته‌ها و مشاهدات در رابطه با ترس از بازخواست،
۶۳	 تحقیر، قضاوت شدن، کنجکاوی، دخالت و.....
	بخش دوم نکته‌ها، مشاهدات و گفت وگوها در رابطه با عدم تحمل انتقاد، عدم
	توانایی در گفت وگویی سالم، تداخل احساس و عقیده، عدم احترام به عقیده
	دیگران، تحمیل عقیده، تک‌بعدی‌نگری، بی‌انصافی، عمومیت دادن، مبالغه
۸۷	 کردن، شکاکیت، توطئه‌نگری و.....
	بخش سوم: نکته‌ها، گفت وگوها و مشاهدات در رابطه با مهربانی، خیرخواهی،
	سخاوت، مردم‌داری، غریب‌نوازی، بت‌سازی، بت‌پرستی، جمع‌گرایی، حوصله
۱۰۹	 داشتن، عاطفی بودن و.....
۱۳۵	 ضمیمه باب اول: برخورد هموطنان مقیم استرالیا با کتاب
۱۴۹	باب دوم: فقر و اثرات آن بر خلق و خو و آداب و عادات فردی و اجتماعی ما.....

بخش اول نکته‌ها، گفت‌وگوها و مشاهدات در رابطه با میهمان‌نوازی، دست و دلبازی، تعارف و آبروداری و ...	۱۶۷.....
بخش دوم نکته‌ها، گفت‌وگوها و مشاهدات در رابطه با آداب و رسوم شکل گرفته در فقر و نابرابری و عوارض مخرب آن بر زندگی امروزه ما.....	۲۰۵.....
باب سوم: تبعیض و اثرات آن بر خلق و خوی و رفتارهای فردی و اجتماعی ما.....	۲۲۷.....
بخش اول نکته‌ها، مشاهدات و گفت‌وگوها در رابطه با تبعیض جنسی.....	۲۳۵.....
بخش دوم احترام و نمودهای مختلف آن.....	۲۵۵.....
نکته‌ها، مشاهدات و گفت‌وگوها.....	۲۵۵.....
بخش سوم رابطه زبان و فرهنگ.....	۲۹۳.....
بخش چهارم: نقش ابرابری اجتماعی در شأن مظلومیت و پیامدهای آن.....	۳۰۹.....
باب چهارم: مقایسه تأثیر بر خلق و خو و رفتارهای فردی و اجتماعی ما.....	۳۴۳.....
بخش اول نکته‌ها، مشاهدات، گفت‌وگوها در رابطه با تنبیه و تشویق، عدم اعتماد به نفس، مطلق‌گرایی، عمومیت دادن، دهن‌بینی، بی‌انصافی، نیاز به مطرح شدن، سرهم‌بندی، خودمحرک شدن.....	۳۵۵.....
بخش دوم نکته‌ها، گفت‌وگوها و مشاهدات در رابطه با قضاوت کردن و مورد قضاوت قرار گرفتن، غرب‌ستیزی و غرب‌پسندایی.....	۳۷۹.....
بخش سوم دنباله‌روی و تقلید، خودبرتربینی، مانع‌اندازی، انگیزتن حسرت و.....	۳۹۳.....
سخن آخر.....	۴۱۵.....
فهرست اعلام.....	۴۳۱.....
فهرست منابع.....	۴۳۳.....

مقدمه

در سال پس از سپری کردن مراحل گوناگون زندگی در ایران، به همراه خانواده برای ادامه تحصیل در مقطع دکترا به استرالیا اعزام شدم، این کشور از بسیاری جهات مانند امنیت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و آزادی‌های فردی تقریباً مشابه برخی از کشورهای پیشرفته غربی است.

آنچه که از ابتدای ورود تجربه مرا به خود معطوف کرد نه ساختمان‌های سر به فلک کشیده و به بازی در گردشگاه‌های زیبا، پل‌های عظیم و فروشگاه‌های مجلل بلکه نوعی برخورد مردم با یکدیگر و نگرش آنها به مسائل مختلف زندگی‌شان بود که به عنوان چشمگیر از آنچه که بین ما وجود داشت، متفاوت بود. این مشاهدات از همان روزها و هفته‌های اول که برای سر و سامان دادن به امور زندگی خود و خانواده‌ام به سازمان‌ها و اداره‌های مختلف، جهت اسکان یافتن در کشور، راجعه کردم، آغاز شد و در نهایت به مقایسه‌ای ناخودآگاه کشید؛ مقایسه‌ای که متأسفانه خبر از پیچیدگی‌های روحی و ناپسامانی رفتاری ما با یکدیگر می‌داد و به نظر می‌رسید غربی‌ها از ما شفاف‌تر، ساده‌تر و به نوعی رهاتر هستند. ملاقاتی که می‌شد که صراحت و صداقت که دو رکن اساسی در یک زندگی سالم اجتماعی است میان ما بسیار کمتر دیده می‌شود، انتقاد را به راحتی تحمل نمی‌کنیم، زود دلخور می‌شویم، تعارف و تکلف بین ما بیشتر، پذیرفتن خطا و اشتباه برایمان دشوار و عذر خواستن بسیار سخت است. معمولاً حرفی را

که می‌زنیم از آنچه که در دلمان می‌گذرد متفاوت است و بیشتر ما به نوعی در نگرانی از آینده و تأسف بر گذشته بسر می‌بریم. همه این مشاهدات مرا با یک سؤال بزرگ روبه‌رو ساخت و آن این بود که «چرا ما چنین شدیم؟» سؤالی که ذهن و فکر و زندگی مرا در خود تنید. پاسخ این سؤال را در آینده‌ای یافتیم که به وسعت استرالیا روبه‌رویم گسترده شده بود با مردمانی که - زن ما نبودند. در این آینده بود که به مشاهده زخم‌ها و جراحاتی نشستیم که در طول تاریخ بر دل و روح و ذهن ما وارد آمده بود؛ زخم‌ها و جراحاتی که در پیر زمانه‌های از زمان و نسیان پنهان شده و در پوشش عادت و به نام فرهنگ بخش عظمی از هویت ما را تشکیل می‌داد.

در تمام مدت یک‌ساله که در دانشگاه به‌ظاهر مشغول تحقیق و در واقع تفکر درباره چون و چرایی این مقوله بودم، هر روز با مشاهده یک رفتار از جانب یک هموطن یا شنیدن یک ماجرا از زبان او، زخمی تازه در من سر باز می‌کرد و هر شب هجوم خاطرات و تجربیات عمر گذشته خواب را بر من حرام می‌نمود. خاطرات و تجربیاتی که دیگر با معیارهای حاکم بر جامعه غرب محک می‌خوردند و مورد تجربه و بحال قرار می‌گرفتند. هنگامی که یافته‌ها و مشاهداتم از حجم ذهنم فراتر رفتند، من به یادداشت‌برداری از آنها شدم. بحث‌ها و مسائلی که در محافل، رادیو و روزنامه‌های ایرانی در استرالیا جریان داشت، هر یک نکات تازه‌ای را از فرهنگ ما بر من آشکار می‌ساخت و مرتباً بر حجم یافته‌هایم می‌افزود. چند سال بعد همین سؤال گذشت تا این که جریان سوژه‌ها و نکته‌ها به ذهن، کند و کندتر و سپس متوقف شد. این تصور که این مطالب ممکن است بعدها مفید واقع شود و بتواند به‌عنوان نقطه شروعی برای بررسی مشکلات فرهنگی ما مورد استفاده قرار گیرد، الزام و اضطراری غیرعادی به نوشتن و انتشار آنها در من به‌وجود آورد. چنین شد که مطالب جمع‌آوری شده را با صرف وقت و زحمت فراوان به صورت قطعه‌ها و گفتارهای کوتاه همراه با مقدمه‌ای که نتیجه‌گیری

را نیز در بر داشت به نگارش درآوردم و در سال ۱۳۷۹ آن را در سیدنی استرالیا با نام ما چرا چنین شدیم به چاپ رساندم. پس از آن نفسی از سر راحتی کشیدم با این تصور که تمام مسائل و مشکلات اخلاقی و رفتاری خودمان را در این کتاب گنجانیده‌ام. اما متأسفانه این فراغت چند ماهی بیشتر نپایید. برخوردهای عده‌ای از هموطنان نسبت به من و کتاب، زخم‌های دیگری را از پیکره مجروح فرهنگ ما که از چشم من پنهان مانده بودند بر من عیان ساخت و بدین ترتیب نگاه دوباره‌ای به خود، به اطراف و اطرافیانم آغاز شد. حمله دوباره سوژه‌ها به ذهن و... چهار سال دیگر به یادداشت‌برداری گذشت. افق و عمق نگاه من این بار از چرایی چنین بودنمان فراتر رفت و به اسارت در چنین بودنمان متوجه گردیدم. اسارت در خلیقات، ویژگی‌ها و آداب و رسوم که عمدتاً به نام فرهنگ از آن یاد می‌شود. یادداشت‌های بسیاری را به مطالب کتابی که نگاشته بودم، در هم آمیختم و در ساختار جدیدی آن را تنصیم کردم و نام «در اسارت فرهنگ» بر آن نهادم و تصمیم گرفتم که این بار آن را در داخل کشور به چاپ برسانم. با این امید که این نوشته‌ها بتواند به متخصصان جامعه‌شناس و روان‌شناسان اجتماعی را به خود جلب کرد و آن را نیز بر آن دارد که به آنچه درون جامعه ما می‌گذرد با دیدی دقیق‌تر بنگرند و برای درد بزرگی که ما را از درون رنج می‌دهد و تحلیل می‌برد، چاره‌جویی کنند. ترجمه ۱۲ سال تلاش بی‌وقفه من کتابی است که در دست دارید.^۱

این کتاب در سه قسمت تنظیم شده است. در قسمت نخست با عنوان «کالبدشکافی درد» به گونه‌ای فشرده توجه خوانندگان را به ویژگی‌ها و آداب به نام فرهنگ، ما را در خود اسیر نموده‌اند جلب کرده‌ام. در قسمت دوم با

۱. به طور طبیعی اکثریت جوامع و تمامی ملت‌ها به نوعی اسیر عادات و خلق و خوی و آداب و رسوم خویش‌اند. در اینجا نظر به آن دسته از ویژگی‌هایی است که اسارت در آنها به آزار روحی و روانی می‌انجامد، مانع رشد و خلاقیت فردی می‌شود و جامعه را از درون تحلیل می‌برد.

عنوان «ملل آزاد دنیا چه بودند و چگونه این شدند» مختصراً به ذکر دلایلی پرداخته‌ام که باعث شد غرب از دوران سیاه قرون وسطایی خویش بیرون آید و به لحاظ خلق و خو و رفتار فردی و جمعی از ما متفاوت شود. این بخش همچنین به آثار زیانباری می‌پردازد که تقلید بی‌رویه از غرب برایمان به ارمغان آورده است.

سمت سوم در چهار باب تنظیم شده است که به ترتیب به اثرات ترس، فقر، نابرابری و مقایسه بر رفتارهای فردی و جمعی ما می‌پردازد و در نهایت کتاب با سخن آخر پایان می‌یابد که در خود امید آغازی دارد.

طمینان کامل دارم که این مجموعه با وجود کاستی‌هایی که دارد، مورد انتقاد قرار نگیرد. فرار حواها گرفت. از آنجایی که هدف من از نوشتن این کتاب صرفاً آنکه کنونی هموطنانم به تأثیرات مخرب شرایط اجتماعی بر روح و روان و در نتیجه رفتارهای فردی و اجتماعی ماست، انتقادهای را به جای می‌خرم و امیدوارم که سمگی ناشی از اسارت مرا به این دلیل که صادقانه به ذکر مشکلاتی پرداخته‌ام که هر یک ما کم و بیش در اسارت آن بخش عمده عمر خود را فدا کرده و می‌کنیم، بر من سنگین نیفتد، هر چند بر این اعتقادم که روبه‌رو شدن با مشکلات، مستلزم داشتن بهانه است و جسارت بیشتری است.

طاهره شمس‌السلام - اردیبهشت ۱۳۹۵

گفت همه یک بیماری داریم:

چون بیماری یکی بود، دارو یکی بود

جمله بیماری غفلت داریم

بیایید تا بیدار شویم! «ابوالحسن خرقانی»